

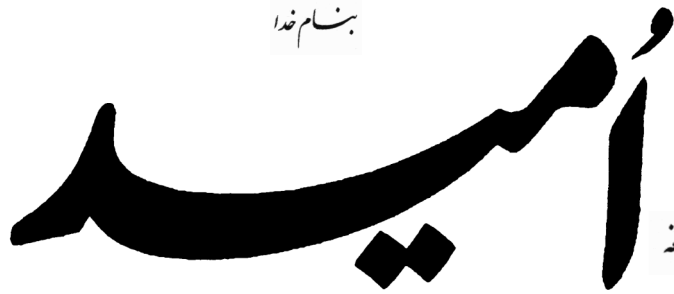
افغان مینې مارکیت عرضه کننده  
انواع مواد خوراکی و طبی

یگانه مغازه افغانی  
در منطقه واشنگتن بزرگ

که تازه ترین مواد خوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd Springfield, VA  
22150  
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

در امریکانز  
\$1.50



سالم ناما

شماره ۱۰۹۹

تاریخچه طبابت در افغانستان

جلد اول و دوم این کتاب تاریخچه شامل ایام زرتشت تا سال های معاصر را با خاطرات دوران محصلی درفاکولته طب توأم دارد، و کتاب تازه با عنوان «ابن سینا» اثر داکتر غلام محمد دستگیر تازه چاپ شده، علاقمندان ودوستان کتاب غرض خرید کتابها به نشانی های ذیل تماس حاصل نمایند.

اروپا به شماره ۰۶۴۴۴۴۰۶۰

امریکا به ایمیل ادرس

dastageer2008@hotmail.com

لندن ۰۷۸۱۴۳۲۶۴۷۴

مهم نامه مردم افغانستان

شماره هفتم / سال سی و یکم / ۲۹ میزان ۱۴۰۱ / ۲۱ اکتوبر ۲۰۲۲ / شماره مسلسل ۱۰۹۹

اکنون که گل سعادتت پر بار است دست تو ز جام می چرا بیکار است

می خور که زمانه دشمنی غدار است دریافتن روز چنمین دشوار است

حکیم عمر خیام

پروفیسر داکتر ذبیح الله الترام گلبرگ، اریزون

## غصب نقود افغانستان توسط امریکا

در مدت بیست سال اشغال افغانستان عزیز از طرف امریکا و متحدینش، اشغالگران ضربات سنگینی را که از طرف طالبان بر قوای خارجیان حواله شد متحمل گردیدند که البته خسارات هنگفت مالی و جانی بر طالبان نیز رسید. بعضی از زعمای امریکا از جنگهای فرسایشی به ستوه آمده به خروج قوای شان از افغانستان اصرار ورزیدند. آقای ترمپ از رئیس جمهور اوباما بارها تقاضا بعمل آورد تا قوای امریکا را از افغانستان خارج نماید. اوباما در سال ۲۰۱۴ امر خروج از کشور ما صادر کرد و تعداد عساکرش را در افغانستان به ده هزار تقلیل داد. ترمپ مناظره انتخاباتی اش را در ۲۰۱۶ عمدتاً به خروج از افغانستان منحصر نمود. یکی از علل انتخاب شدن وی در ۲۰۱۷ اصرار اوبالای خروج از افغانستان بود. پریزنت ترمپ اصرار داشت که جنگ در افغانستان یک عمل بی فایده بوده عساکر افغانی قدرت و علاقمندی به جنگ در مقابل طالبان را ندارند و حکومت افغانستان از کذب و ریاکار گرفته امریکا را فریب میدهد. وی اصرار داشت که چرابلیونها دالر مصرف کنیم و خون امریکاییها را بریزیم و عسکر افغانی را تجهیز و تربیه کنیم تا عساکر امریکایی را از عقب آماج خود قرار بدهند! باید به اسرع وقت افغانستان را به شکل آبرومندانانه رها کنیم. وی در سال ۲۰۲۰ یک معاهده صلح را با طالبان امضا نمود. ترمپ مورد تنقید و مخالفت بعضی اعضای کابینه و اعضای حزبی در کانگرس واقع شد و نتوانست در دوره ریاست جمهوری اش به اجرای پالیسی اش تحقق بخشد. رئیس جمهور بایدن بود که در اپریل ۲۰۲۱ هدایت داد که در ماه سپتمبر افغانستان ترک داده شود. ترمپ به آرزوی دیرینه اش نایل گردید و تصمیم بایدن را به فال نیک گرفت.

سقوط مزار شریف و ننگرهار بدون مقاومت بدست طالبان، داکتر اشرف غنی را وادار به گریز مخفیانه نمود و بایدن از طالبان خواست که سدره خروج عساکر امریکانگردند. بایدن امر تخلیه میدان بگرام را صادر کرد و امر نمود تا تمام اسلحه و تجهیزات نظامی که بچشم بخورد تخریب گردند. علاوه تاز هزاران افغان کار آرموده که در جریان ۲۰ سال گذشته امور مملکتداری را آموخته بودند بیرون برده شدند که وطن مألوف ما را بیش از پیش دچار فقر قوای بشری ساخت.

چرا بایدن در اخیر آستین هارا بر ضد امارت طالبی برزد؟ علت اصلی بزعم بنده انتقاد بعدی دونالد ترمپ از نحوه خروج امریکا توسط جوبایدن بود. موصوف بایدن را متهم ساخت که خروج از افغانستان شکل فرار و گریز را بخود اختیار نمود که باعث سرافکندگی عساکر امریکا شد. برای استخفاف اثر منفی سیاسی این اتهام بایدن در صدد انتقام غیر مسئولانه از طالبان افتاد که در عمل جزای سنگین اقتصادی را بالای تمام مردم بی بضاعت افغانستان مرعی ساخت.

بایدن خود و تمام ممالک را وادار ساخت تا از برسمیت شناختن امارت طالبی ابا ورزند، از طرف دیگر تمام چشمه های اسعار خارجی را بروی افغانستان بست و حتی اجازه نداد تا معاونت اسعاری افغانهای مقیم خارج برای فامیلهای محتاج شان در داخل افغانستان برسد. زنده تر از بنهمه ضبط نقود افغانستان بوده که در امریکا به امانت سپرده شده اند. خاک امانت را خیانت نمی کند ولی امریکا از چنین خیانت دریغ نورزید.

در حدود ده بلیون دالر مردم افغانستان در خارج از کشور پس انداز شده که شامل اسناد قرضه خزانه امریکا، طلا و اقسام پس اندازها میباشد. منجمله مبلغ هفت بلیون دالر در کلانترین بانک فیدرال ریزرو واقع نیویارک به ودیعه گذاشته شده است. یک مقدار پول به یورو و پوند انگلیسی و همچنان در بانک سویس گذاشته شده است. بیست و دو تن طلای افغانستان که معادل یک اعشاره بیست و پنج بلیون دالر میگردد در نیویارک تذخیر است. بعلاوه، مسکوکات و زبورات دو هزار ساله دوره باختری متعلق به افغانستان نیز در خارج به امانت سپرده شده است. گفته میشود که افغانستان در حدود هفتصد میلیون دالر در بانک حل منازعات بین المللی در

سویس پس انداز دارد که سرنوشت آن نیز معلوم نیست. دسترس طالبان به دارایی های ما در خارج تنها ۱/۰ الی ۲/۰ فیصد می باشد و بس.

دولت امریکا نصف هفت بلیون دالر واقع نیویارک را به یک حساب امانت در سویس تحت سرپرستی یک امریکایی و یک کاردار بانک سویس و دو اقتصاد دان افغانی که هر دو تبعه امریکا می باشند، به ودیعت میگذارد تا برای پرداخت معاشات معلمین و قیمت بعضی امتعه وارداتی از قبیل برق کار سازی نمایند. دست طالبان از این پولها کاملاً کوتاه ساخته شده است. این دونفر افغان عبارت اند از داکتر انور الحق احدی و داکتر شاه محمد محرابی. اگر این دوفرد نواع زمان هم باشند وظایف در حدود نیم ملیون کارکنان کنونی دولت از پیاده گرفته تا معین و وزیر را که اکنون ادارات رومی چرخاند اجرا کرده نمیتوانند. تنها وزارت مالیه شامل بانک مرکزی، سایر بانکها، ریاست عمومی ارزاق و احتیاجات عامه و سیلوهوا و گداهای دولتی در اطراف افغانستان، گمرک کابل، گمرک هوایی کابل و سایر گمرکات کشور در شهرها و بنادر، ریاست اداری، ریاست تقاعد، ریاست تفتیش، ریاست تفتیش بعدی، ریاست محاسبات، ریاست خزاین، ریاست عواید، ریاست تصدی های دولتی، ریاست انحصارات و غیره میباشد که در حدود یک صد هزار عمه و فاعله دارند. این افراد همه از امور مالی رسیدگی میکنند و فهمیده نمیشود که دونفر منتخب جوبایدن کدام قسمت وظایف یکصد هزار نفر را بعهده خواهند داشت؟!

پروفیسر محرابی اظهار نموده اند که رسیدن پول برای افغانستان برای حل مشکلات اضطراری بشری بکار نمی رود بلکه برای پیشبرد امور مکرواقتصادی مملکت به مصرف خواهد رسید. جناب شان بکلی واقف هستند که اقتصاد ملی مسایلی از قبیل تولید ملی، پول و بانکداری، سیاستهای مالی و بودجوی، بیلانس تجارت و بیلانس تادیات، سطح استخدام، تورم پولی، توزیع عاید ملی، رشد و انکشاف اقتصادی و غیره مسایل به سطح ملی را در بر میگردد. ایندونفر اقتصاد دان متجرب ولو که نواع زمان هم باشند بدون مساهمت و مشارکت همه شمول دولت افغانستان و بیش از نیم ملیون مستخدمینش کاری را به پیش برده نمیتوانند.

تصمیم جوبایدن در زمینه پیش از یک کومیدی مضحک چیز دیگری نمی باشد. من حدس می زنم که این تصمیم رئیس جمهور امریکا یک زمینه ایست برای برسمیت شناختن تدریجی امارت و بکلی آزاد ساختن سه و نیم بلیون دالر پول افغانها. مبلغ سه و نیم بلیون دیگر را پریزنت جوبایدن برای مکافات به آسیب دیدگان یازده سپتمبر کنار گذاشته که این یک عمل کاملاً غیر قانونی بوده و حتی از طرف یک محکمه فدرال غیر قانونی قلمداد شده است. اعتراضات متعدد در سراسر دنیا بر علیه این تصمیم امریکابراه انداخته شده و حتی پیش از هفتاد اقتصاد دان طراز اول امریکا تقاضا کرده اند که تمام داراییهای غصب شده افغانها به اسرع وقت آزاد گردد و در اختیار خود افغانها قرار داده شود و به مزاحمت روز افزون اقتصادی مردم فقیر افغان پایان داده شود، و رئیس جمهور بایدن بیش از این بیحیث سارق و غاصب نقود امانتی فقیرترین کشوردنیا متهم نماند.

بند ساختن چشمه های اسعاری بروی افغانستان مشکلات بیحد برای افغانستان ایجاد کرده است. داکتر اشرف غنی احمدزی در زمانیکه هنوز براریکه قدرت نشسته بود ادعا داشت که ۸۵٪ نفوس افغانستان زیر خط فقر میزیستند. اکنون که مخاصمت امریکا وضع اقتصادی کشور را بیشتر برهم زده است، حال افغانها را بدتر مبینم. قرار پیشگویی ملل متحد احتمالاً یک ملیون طفل افغان در زمستان پیش رود را اثر گرسنگی پدرود حیات خواهند گفت. هذالقیاس ۲۴ ملیون فرد مواجه به گرسنگی گردند که از آن جمله ۷/۸ ملیون به فاگی مدش روبرو خواهند بود. بگفته بانک جهانی بیست تا ۳۰٪ تولید ملی کاهش دیده و واردات کشور ۴۰٪ پایین آمده است و در تمام ۳۴ ولایت افغانستان حالت اضطراری مستولی است. منابع بین المللی ادعا دارند که در بعض مناطق مادران سبزه را در آب جوش داده به اطفال می خوراند و حتی گرده های اطفال را (ص ۸)

استاد محمد محق

کانادا

## افغانستان . سرزمین بحران های بزرگ و دعوای کوچک

بحرانهایی که دامن گیر افغانستان است یکی دو تا نیست، بلکه شبکه ای از بحرانهای تو در تو است که وضعیت به شدت پیچیده ای را پدید آورده است، از حاکمیت یک گروه تروریستی به شدت وایسگرا و سرکوبگر گرفته تا فقر رو به گسترش، فروپاشی نهادهای آموزشی، کوچ گروهی تحصیل کردگان و نخبگان، فرار مغزها و سرمایه ها، سرازیر شدن گروه های تروریستی به سوی افغانستان، راه یافتن قاچاق بران مواد مخدر به سامانه قدرت، افزایش تنش های قومی و تباری، و خرده بحرانهای ناشی از این وضعیت که آینده تیره و تاری را در برابر چشمان ما به تصویر می کشد. آنچه در این میان بیش تر مایه نگرانی است سرگرم شدن نخبگان، قلم به دستان، و روشنفکران به دعوای خرد و ریزه و تصفیه حساب های کوچک است که فضایی آکنده از عقده، بدبینی، اتهام زنی، درشت گویی و پر خاش گری را پدید آورده و بر تیرگی شرایط کشور و ناامیدی از آینده می افزاید.

نمونه ای از این دعوای کوچک محلی گرای های کود کانه، چسبیدن به مسایل منطقه ای و سمتی، و برجسته ساختن بیش از حد مسایل زبانی و تباری است. از تبعات این وضعیت پنجشیری گرای افراطی، هراتی گرای افراطی، بدخشی گرای افراطی، جاغوری گرای افراطی، قندهاری گرای افراطی، مشرقی گرای افراطی و.. است که مرزهای کاذبی میان شهروندان یک سرزمین می کشد و آنان را به خودی و بیگانه تقسیم می کند.

در ادامه همین گرایش است که پشتون گرای افراطی، تاجیک گرای افراطی، اوزبیک گرای افراطی، و هزاره گرای افراطی شکل می گیرد و تنش ها را چندین برابر می کند. از همین دست است به کار بردن دشنام گونه اوصافی مانند ستمی، افغان ملتی، شعله ای، و جنبشی، یا برجسته کردن بیش از حد مشکل قومیت در افغانستان، به میان کشیدن مسئله زبان در هر کشمکش، و پر رنگ کردن خرده هویت ها در برابر هویت کلان تر ملی و تمدنی، روی کردی که به عمیق تر شدن شکاف ها و افزایش دشمنی ها می انجامد و راه را بر هر گونه تفاهم و توافق می بندد.

کسانی که گرفتار این نگرش های بغض آلود، خشم آگین، هیجانی و نامتعادل می شوند توانایی برخورد منطقی با مشکلات و واقعیت ها را از دست می دهند و همه نیروی شان صرف غرق شدن خود و غرق کردن دیگران می شود.

چنین روی کردی ناشی از فقدان نگاه جامعه شناختی، تاریخی، و مردم شناختی به قضایاست. در واقع، جوامع دور افتاده از توسعه، به ویژه اگر چند دهه جنگ را پشت سر گذاشته باشند، همه کم و بیش از مشکلات مشابهی رنج می برند. همین اکنون جوامع بخت برگشته و سیه روزی مانند یمن، صومالیای لیبیا، سوریه، عراق، و در درجاتی متفاوت تر پاکستان، ایران، و کشورهای مشابه در خط گسل تنش ها و شکاف هایی قرار دارند که گاهی تا مرز انفجار می رسد. جامعه ای مانند افغانستان که گرفتار بی سوادی گسترده، فقر گسترده، محرومیت گسترده، تبعیض گسترده، و کاستی های دیگری از این قبیل است، و سال های طولانی میدان جنگ نیابتی قدرت های بزرگ بوده است جامعه ای زخمی است که با هر تصرف نا سنجیده ای وضعیت بحرانی تر پیدا می کند.

از نخبگان کشور، از هر قوم و از هر جناح سیاسی، توقع می رود که با نگاه جامع به مشکلات، اولویت های این مرحله را دست بندی کنند، بر عواطف خود لگام بزنند، زبان پر خاش و اتهام را کنار بگذارند، و ظرفیت خود را برای گفتگوی معطوف به تفاهم نشان بدهند. به راه انداختن هر گونه دعوای جانبی و افزودن بر شکاف ها، مترادف است با فراموش کردن مشکل اصلی، که حاکمیت یک گروه تروریستی با تبعات ویران گر آن است، و کمک به تداوم و تحکیم سلطه آن بر سراسر کشور. /

## اطلاعیه

## اتحادیه هنرمندان افغانستان

به اطلاع عموم هنرمندان و فرهنگیان گرانمایه در داخل و خارج رسانیده می شود که با فرارسیدن ۲۲مین سالگرد اتحادیه سراسری هنرمندان افغانستان در ۲۶ ماه نوامبر ۲۰۲۲، دوره کار جناب پروفیسور داکتر عنایت الله شهرانی در طول اضافه از دو دهه با درک رسالت و ادای دین مسؤولیت بزرگ ریاست عمومی اتحادیه را با منتهای اخلاص و امانت داری و صداقت با همکاران ارزشمند دانشمند و چند بعدی شان انجام داده اند، پوره میگردد .

بدین وسیله اخبار می شود کسانی که خواهان نامزدی برای ریاست عمومی اتحادیه سراسری هنرمندان افغانستان یا عضویت در بورد اجراییه اتحادیه باشند، لطفا سوانح کاری، کاندیدا توری، آدرس مکمل، شماره تلفون و دو قطعه عکس شان را تا پانزدهم ماه نوامبر سال جاری به آدرس ذیل بفرستند . اول اکتوبر ۲۰۲۲ میلادی

Afghanistan Artists Union  
P. O. Box. 6422 Bloomington IN 47407  
\*\*\*\*\*

احمد مسعود در دقایق نخستینی که طالبان کابل را اشغال کردند علم آزادی را برافراشت و مبارزه را بر علیه آنها اعلان نمود، سنگرمقاومت پدر رادر پنجشیر در برابر دشمنان سوگند خورده وطن دوباره باز کرد .

با وجودی که احمد مسعود مانند پدر قهرمانش از پیشنهاد صلح پشتیبانی کرد و حاضر به گفتگو شد، ولی مقامات پاکستانی به مزدوران خود در کابل هدایت داد تا احمد مسعود را به بهانه مذاکرات صلح مصروف نگهدارد، و خود جنرال فیصل حمید رئیس آی اس آی را به کابل فرستاد تا در ارگ قائم مقام گردد و طرح حمله بر پنجشیر را بریزد که طیارات بمب افگن، درون ها، قوای توپچی پاکستان حمله آتی و برق آسا بر پنجشیر کردند و بی رحمانه آنچه را و هر کسی را که در آن جا بود تیرباران نمودند .

ما شاهد بودیم که جنایاتی را طالبان در پنجشیر مرتکب شدند که خاطره های چنگیز و هلاکو را زنده ساختند و کشور ایران و تاجکستان این مداخله نظامی پاکستان را نکوهش کردند .

یکی از مردان مبارز و آزاده کشور جنرال جلال الدین اندرابی است که در صف مجاهدین بر علیه تجاوز روس هاجنگیده است و در زمان حکومت غنی احمدزی قوماندان قول اردوی پکتیا بود. زمانی که توطئه اشرف غنی احمدزی را برای تضعیف و تسلیمی قوای مسلح به طالبان و خیانت او را در برابر قوای مسلح کشور در هرات و مزارشیرف درک کرد، و وظیفه اش را ترک نمود و برای دفاع از مناطق اندراب، بدخشان و تخار به مردم خود پیوست و ضربات کوبنده به گروه مزدور اشغالگر طالب وارد کرد.

اکنون احمد مسعود و جنرال جلال الدین اندرابی جبهه مشترک مقاومت را به وجود آورده اند که سبب تشویش و نگرانی نظامیان پاکستان و طالبان بوده، و نویدی برای آزادی کشور می باشد .

با وجود اینکه از عمر این هسته مقاومت چیزی بیشتر از یکسال نمی گذرد، ولی دست آورد های آن در برابر طالبان مزدور و آزادی میهن قابل تقدیر است .

تأسیس و ایجاد این جبهه مقاومت ملی یاددانهانی از ایثار و فداکاری مردم ما برای آزادی وطن در برابر دشمنان سوگند خورده میهن بوده و درسی است برای نظامیان پاکستان که مردم ما هرگز اسارت و بردگی را نپذیرفته و در خصوص استقلال و آزادی کشور از قطره قطره خون شان می گذرند.

در شرایط فعلی که پاکستان و دیگر حامیان مزدوران طالب پلان استیلا بر خاک ماو اسارت و بردگی مردم ما را دارند، درپیش روی مردم مادو راه موجود است :

یا بجبهه مقاومت ملی بیبوندند و شجاعانه برای آزادی وطن فداکاری نمایند، و یا با طالبان سیهل و مزدور بسازند و زندگی ذلتبار با اسارت و بندگی را اختیار کنند. امروز مردم مابه یک آزمایش بزرگ تاریخی و میهنی قرار گرفته اند، دیر یازود سلطه ظلم و بیاد نابود میشود و وطن از جنگال طالبان اجیر و مزدور آزاد میشود و هر یک مادر قضاوت و وجدان و تاریخ قرار میگیریم.

آزاد و سربلند باد میهن، زنده باد جبهه مقاومت ملی، ننگ و نفرین به طالبان مزدور، این دشمنان وطن و قاتلین فرزندان کشور! /.

دوچهره بدنام و منفور تاریخ یکی حامد کرزی و دیگری اشرف غنی احمدزی که از آخورهای اجنبیان تغذیه میشدند و دستور از سازمانهای جاسوسی بیگانه میگرفتند، طی بیست و یکسال با استفاده از کمکهای پولی که عنوانی مردم افغانستان سرازیر میشد، چنان ریشه های قومگرایی، نفاق زبانی و نژادی و مذهبی را درین اقوام عمیق ساختند و آنان را چنان بجان هم انداختند که مفهوم ملت بودن بکلی از کشور زدوده شد.

این دوچهره که اشخاص فریبکار، دغل، خاین به ملت و جاسوس استخبارات بیگانه اند که تا توان داشتند زمینه کشتار سربازان قوای مسلح کشور را مساعد ساختند و سرانجام دست و پای ملت را بسته و تسلیم دشمن خون آشام و قاتلین فرزندان میهن کردند. طی بیست و یکسال بیش از یک صدوشصت هزار سرباز قوای مسلح در اثر توطئه و ساخت و یافت کرزی و احمدزی به نفع طالبان، توسط طالبان شهید شده اند.

در شرایط کنونی انتظار میرفت تا مردم برای آزادی وطن از جنگال مزدوران طالب بیا بایستند و با ایثار و قربانی وطن را از لوث آنها پاک سازند، مگر یک سال گذشت کسی شور نخورد بجز چند دختر و بانوی قهرمان و بشاهمت که رحمت خدا (ج) برایشان باد . علت اینکه مردم در برابر گروه مزدور و اشغالگر طالبان ایستاده نمیشوند این نیست که آنها به این ذلت تن داده اند، و یا شهامت و شجاعت شان را از دست داده اند و یا به آزادی باور مند نیستند، بلکه علت در آنست که ملت وجود ندارد که محصول فعالیت های خاینانه دو جاسوس معلوم الحال کرزی و احمدزی طی بیست و یکسال گذشته می باشد!

این دو جاسوس برای همین ماموریت تربیه و گماشته شده بودند که وظیفه را به وجه احسن انجام دادند و در انتظار پاداش از جانب بادران شان هستند! اما دشمنان وطن بخصوص گروه مزدور طالبان و بادران پاکستانی شان میدانند که تاریخ این مرز و بوم قسم دیگری قلم زده شده است. بیگانه ها و مزدورها چه انگلیسی بود و چه روسی، چه شاه شجاع بود و چه تره کی، کارمل، امین و کارمل و نجیب، چه حامد کرزی و غنی احمدزی، هرگز درین مرز و بوم پاک جایی نداشتند و با ذلت و شرمساری فرار کرده اند و در حال فرار اند .

احمد شاه مسعود (رح) که نامش چون ستاره درخشان در صف قهرمانان این میهن میدرخشد، اگر خود جام شهادت نوشید، ولی تحفه آزادی و مبارزه را برای وطن اهدا کرد، که فرزندش احمد مسعود میباید. احمد مسعود خصلت آزاد منشی را از پدر به ارث برده، محبت وطن و مردم را مانند پدر قهرمانش در سینه دارد.

کرزی و احمدزی هر دو وظیفه گرفته بودند تا این جوان برومند را با پیشکش پول و منصب، مانند عده دیگری تطمیع نمایند تا زندگی اش لکه دار شود، احساس وطن دوستی، آزادی و آزادمندی اش آلوده گردد و به چیزی تبدیل شود که در آینده با برافراشتن علم آزادی در دسری برای طالبان مزدور و بادران شان نشود.

این دو جاسوس در طول قدرت دوامدارشان به دستور سازمان های جاسوسی مربوطه پلان ها و توطئه های بی شماری را طرح کردند تا اگر احمد مسعود را به دام هوا و هوس و در حلقه پول و قدرت درگیر سازند. ولی احمد مسعود راه پدر قهرمانش را پیش گرفت، هیچ چیزی از این دو جاسوس را نگرفت و هیچ مقامی را که برایش عرضه کردند نپذیرفت، چون می دانست این دو اجیران بیگانه اند و نیت شوم دارند. حتی در لحظات اخیر زمانی که سازمان های جاسوسی دیدند که کرزی و احمدزی در به دام انداختن احمد مسعود ناکام اند، مقامات نظامی و جاسوسی پاکستان حیل و نیرنگ دیگری را روی کار گرفتند و به بهانه دریافت راه های ایجاد نظام آینده و استقرار صلح در افغانستان، از احمد مسعود تقاضا کردند تا در جمع هیئت مشتمل بر قانونی، صلاح الدین ربانی، احمد ضیا مسعود و محمد محقق به اسلام آباد تشریف بیاورند!

آن مقامات می دانستند که یکی دو روز بعد از مسافرت این هیئت، طالبان در کابل به قدرت رسانیده می شوند. هدف پاکستان و دیگر حامیان تروریست های طالب آن بود که افراد شامل هیئت در زمانی که غنی احمدزی فرار می نماید و طالبان را به ارگ راه میدهد، در بیرون کشور باشند تا در دسری تولید نکنند!

تاجاییکه شواهد نشان میدهد، هدف اساسی این توطئه احمد مسعود بود تا اورا بیه طالبان تسلیم نمایند یا اینکه طالب انتحاری را مامور سازند تا به حسابش برسد، زیرا اشخاص دیگری درین هیئت مروراید هایی بودند که خرمهره شده بودند! مگر احمد مسعود با درایت خاص از رفتن به پاکستان خودداری کرد و دسیسه پاکستانیها را ختنی ساخت. ما دیدیم که بیچاره هیئت در پاکستان کدام گفتگو و مذاکره کاری نداشتند، طالبان کابل را اشغال کردند و هیئت در پاکستان بند ماند!

انجنیر عبدالصوور فروزان نیوجرسی

احمد شاه مسعود (رح)  
ستاره درخشان آزادی

(بخش دو): احمد شاه مسعود پس از تخلیه کابل، بزودترین فرصت جبهه ملی مقاومت را برای آزادی وطن از جنگال خونین طالبان مزدور و حامیان شان بوجود آورد، که مرجع تجمع اشخاص و افراد وطن دوست و فداکار از سراسر کشور گردید. او توانست با وجود امکانات ناچیز و مشکلات اقتصادی و مالی برای جبهه مقاومت حیثیت ملی و بین المللی کمایی نماید.

مسعود ماهیت گروه دهشت افگن و مزدور طالبان و اهداف شوم آنها را بر ضد منافع عالیای وطن با دقت خاص درک کرده بود. او دقیقاً میدانست که طالبان اجیران پاکستانی اند و برای ارمانهای نظامیان پاکستان، جلوه داده اسلام بحیث یک دین خشن (نعوذ بالله)، زدودن روحیه ملی و غرور و آزادمندی مردم ما، تخریب زیر بناهای اقتصادی، اجتماعی و نظامی کشور و انهدام سیستم تعلیم و تربیه در کشور، فلج کردن در تمام زمینه ها استخدام شده اند، لذا مقاومت و مبارزه را در برابر آنها فرض عین همه مردم افغانستان میدانست و مصمم بود تا پای جان در برابر آنها برای آزادی وطن بجنگد. مسعود با دقت کامل می دانست که او در آن جنگ با فوج پاکستان و تروریست های القاعده و عربی مقابل است، چه طالب یسواد و کمسواد که چند صباحی را در مدارس حقانیه و دیوبندی پاکستان سپری کرده، هرگز توان استعمال سلاح های مدرن و مددهش، پرواز هلیکوپترهای جنگی و جت های بمب افگن و استفاده از درون را ندارد.

احمد شاه مسعود در سالهای اخیر مقاومت تفوق نظامی چشمگیری بر گروه مزدور طالب و حامیان شان پیدا کرده بود. شواهد نشان میدهند که اگر این ابر مرد آزاده و شجاع توسط دسیسه مغلقی که فهم آن ایجاب تحقیقات وسیع و همه جانبه رامی نماید، به شهادت نمی رسید، پیروزی اش در برابر طالبان اجیر، و آزاد سازی وطن حتمی بود.

پولیس انترکام بلجیم تحقیقاتی در مورد این توطئه خاینانه و ناجوانمردانه انجام داده که به اساس آن ۲۹ سازمان جاسوسی جهان در این دسیسه ذیدخل بودند. این کشور از دولت افغانستان اجازه نشرو پخش این تحقیقات را درخواست نمود، ولی حامد کرزی و غنی احمدزی بحیث رؤسای جمهور اجازه ندادند! حوادث بعد از شهادت مسعود نشان داد که یکی از اهداف عمده این دسیسه آن بود که منابع خاص بیرونی و عده از کشورهای از پیروزی عنقریب مسعود هراس داشتند و بخاطر طبیعت آزادمشانه و خصلت آزادیخواهی اش، اورا حامی منافع خود در افغانستان ساخته نمی توانستند، لذا تصمیم گرفته شد تا او را از صحنه بردارند. در واقع مسعود مانع بزرگی در برابر تحقق اهداف شوم شان بود.

چنانچه بعد از شهادت او دیدیم که سلیلی از جاسوسان که در لباس تکنو کراتی بیچانیده شده بودند و در دستگاههای جاسوسی برای اهداف نامیمونی تربیه شده بودند، در کشور سرازیر شدند. اکثر این اشخاص در پهلوی ضعف نفس و جیره خوری سازمانهای جاسوسی کشورهای مختلفه جهان بودند، با برنامه های خاصی آمده بودند که از اختلاس و سوء استفاده از منابع مالی و پولی سرازیر شده و رایگان گرفته تا تاراج منابع معدنی، تولید درز و جدایی در بین اقوام، ایجاد نفاق و جدایی و شعله و رساختن تفاوت های زبانی، مذهبی و قبیلهای را در برمی گرفت که سرانجام کشور را بجایی رساندند که مفهوم ملت بودن از وطن زایل شد و به گفته جو بایدن رئیس جمهور امریکا: «افغانستان کشور بیست فاقد ملت.»

با وجود اینکه این حرف بایدن به مزاح مردم ما خوش نمی خورد، ولی اگر از عقب عینکهای حقیقت بین نگاه کنیم می بینیم امروز افغانستان واقعا کشوری است که مردم آنرا ملت گفته نمی توانیم! چه اگر ملت می بودند امروز طالبان مزدور با همه بدناسمی، با همه جهالت و نادانی و با همه ظلم و استبداد شاه نه تنها نمی توانستند زمام کشور را بدست بگیرند، بلکه توان گذاشت پایهای کثیف شان را هم در آن خاک مقدس نمی داشتند .

**Imaid Weekly**  
12286 Ashmont Ct. # 202  
Woodbridge, VA 22192 - 7075 U.S.A.  
Tel/Fax : (703) 491-6321  
mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول: محمّد قوی کوشان









## شرح اشتراک هفته نامه امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰) دالر - یکسال (۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر - یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه (۵۰) دالر - یکسال (۱۰۰) دالر

Omaid Weekly

12286 Ashmont Ct #202

Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel/Fax : (703) 491-6321

Email: mkqawi471@gmail.com

چندین بار دیدارها با همتای روسی اش، روسای بانک مرکزی کشورش را هم چندین بار است که تغییر و تبدیل می نماید. این حالی است که اکثر (جمهوریت طلبان) و مافیای قدرت ثروت و غارت در ترکیه بسر می برند و در آن کشور (ترکیه) سرمایه گزاری نموده راهی اند.

موضوعات زیاد انبار شده بر سر میز این مجمع عمومی ملل متحد قرار دارد. در همین مجمع جاری ۷۷ که جریان دارد، جو بایدن ریس جمهور ایالات متحده هم که در روز اول افتتاح این مجمع عمومی هفتاد و هفت در روز سه شنبه هفته سوم ماه سپتامبر سخنرانی داشت که گفت: روسیه با حمله بر اوکراین منشور سازمان ملل متحد را بی شرمانه زیر پا کرده است؟ و همین طور بایدن جو، در جو حاکمه سیاسی فعلی از ایران یاد نمود که هرگز به کشور ایران اجازه نخواهد داد که به سلاح هستوی دستیابی پیدا نماید و از تظاهر کننده گان در آن کشور (ایران) هم گفته که در کنار شان ایستاده است؟ بایدن گفت آینده از آن کشور های است که از حد اکثر ظرفیت جمعیت شان استفاده می کنند جایی که زن ها و دختران حقوق برابر با مردان داشته باشد و از حقوق اولیه و اساسی برخوردار باشند.

در همین جنرال اسامبله ۷۷ ملل متحد که هنوز هم جریان دارد گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور افغانستان آقای ریچارد بنت گزارش خود را به شورای حقوق بشر آن جنبه جهانی ارائه نمود. او گفت: وضعیت در افغانستان بدتر شده، تا جاییکه بحران حقوق بشر با بحران ها انسانی و مالی افغانستان مطابقت دارد.

نامبرده طالبان را مسؤول بدتر شدن حقوق مدنی سیاسی و فرهنگی مردم، از جمله نقض فاحش گسترده می داند، و هشدار می دهد که این نمونه ها و نشانه های شدید و قوی نزول به سمت و سوی استبداد و دیکتاتوری مطلق را باز گو می نماید. محور صحبت او روی همین اصل می چرخید و می چربید که افغانستان به صوب سیستم استبداد و دیکتاتوری مطلق در حال سقوط است. در این مجمع عمومی که هنوز ادامه دارد سخنان آقای آقای جا با کروش ریس مجمع عمومی ۷۷ ملل متحد که به عوض عبدالله شهید ریس مجمع عمومی ۷۶ که اجلاس سال قبل جنرال اسامبله ریاست کرده بود و او از کشور مالدوی می باشد. و در آستانه روز جهانی صلح و افتتاح جنرال اسامبله امسال چند روز قبل ریاست را به ریس جدید مجمع عمومی سپرد.

رئیس جدید مجمع هم از بسا دشواری ها و مشکلات و معضلات که سیستم های جهانی را مختل نموده محک قرار داده و اینکه روسیه نیرو های ذخیره و احتیاط اش را خواسته، و ادغام چندین محل اشغال شده و به فحوی آنان آزاد شده از قلمرو اوکراین را همه پرسی و بررسی دارند چابا کروش ریس مجمع امسال، از سال ۲۰۱۰ تا به حال به عنوان سفیر و نماینده دایمی کشورش مجارستان، در سازمان ملل کار می نماید و قبل از آن از سال ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۰ ریس بخش اول اروپا در وزارت خارجه کشورش مجارستان بود و همچنان سفیر در یونان و کاردار در امارات متحده عربی و شارژدافیر در چند کشور دیگر را در کارنامه دارد.

بر اساس آیین نامه ملل متحد پنج عضو دائمی شورای امنیت: ایالات متحده، روسیه، چین، فرانسه و انگلستان، نمایندگان دایمی شان، به حیث معاونان کروش ریس مجمع فعلی می باشند.

البته با وجود معاونیت این پنج عضو دایمی در مجموع ۲۱ معاون برای رئیس هر دوره مجمع عمومی و طبق منطقه بندی جغرافیایی انتخاب می شوند. که قاره افریقا دارای ۶ سهمیه که امسال موریتانیا برونندی بنین زیمبابوا، نایجریا و کنیا معاونان کروش می باشند قاره آسیا دارای ۵ سهمیه که امسال مالیزیا تاجکستان نیپال، ویتنام و ترکمنستان می باشند از آمریکای لاتین و یا جنوبی که دارای ۳ سهمیه اند امسال: شیلی، جامیکا و السلوادر معاونیت می کنند. همچنان استرالیا و اسرائیل هم نامزد شده اند.

در حلقه و دایره که لوگو یا علامت صلح عمومی و سرتاسری جهانی را باز گویمیکند از حروف اول دو واژه و با دو کلمه گرفته شده: Disarmament Nuclear نیو کلیلر دیس آرموننت که به معنای دوری از جنگ و یا خلع سلاح اتمی و یا هم اجتناب از جنگ و میرا از تجهیزات هسته ی و یا ذروی،

و هکذا نشان و علامه صلح جهانی، با دست (V) در زمان استعمار بریتانیا کبیر، و مقاومت های ملت ها و کشور های تحت سلطه و سیطره انگریز ها از جمله فرانسوی ها طی مقاومت های فرسایشی شان، اخطار می دادند که استعمار گران و استثمار کننده گان را انگشتان دستان شان را قطع خواهند نمود. و این موضوع انگلیس ها را وادار به این ساخته بود که زمانی که از قلمرو و نواحی مناطق اشغالی درست و سالم بدر می شدند باز به خاطر اطمینان به (بالا جای) و (سر کار) دو کلک و یا دو انگشت از انگشتان شان را به شکل حرف وی V یکی از حروف انگلیسی بلند می کردند و اکنون مود شده که بعضی ها فهمیده و نا فهمیده در زنده و مرده و عروسی و غم که اشتراک می نمایند و یا عکس (می کنند) و یا می گیرند دو انگشت را به همان رقم حرف V انگلیسی و یا مثل عدد ۷ (هفت) فارسی دری بلند می نمایند چنانچه چرچیل نیز در مجالس و محافل و در جریان جنگ ها هم دو انگشت اش را (وی ۷ کنان هفت ۷ می ساخت) که بعد ها به عنوان نشان صلح؟

دوری و پرهیز از جنگ درج لوگو و نشان صلح همگانی و عمومی هم شده. به راستی صلح و دوری از جنگ زیبا و دلنشین است اما آیا واقعا در چشم انداز کنونی صلحی و صلح گرانی موجود است؟ چقدر خوب می بود که در این زندگی کوتاه و زیبا که جنگ مقبولی ها را تحت الشعاع قرار داده به راستی صلح واقعی عملا اگر می بود و این سیاره مورد تهدید خود زمینیان قرار نمی داشت.

از جنگ جهانی دوم اضافه از هفت دهه سپری می شود و از به رسمیت شناسی روزی بنام صلح و صلح رحم هم در حدود کمی زیاد تر از چهار دهه می گذرد، در سال ۱۹۸۲ میلادی توسط سازمان ملل متحد هسته گزاری گردیده است. در حالیکه صلح یک آرزو و مرام جهانیان محسوب می گردد. اما همین امسال که هنوز هم نه تنها کرونا و آبله میمون و بلایای طبیعی و طوفان ها، سیلاب ها، زلزله ها، گرمایش زمین، تغییرات اقلیمی، عدم توازن و کنترل گاز های گلخانه یی و تهدیدات کشور های دارنده تجهیزات هستوی، به نحوی بالفعل و بالقوه محسوس و ملموس است.

واقعا جهان را در یک موقعیت نامطمئن و یا به قول عامیانه، جهان در نوک شاخ گاو قرار گرفته و دغدغه های اساسی و اولی ملل متحد را با وجودیکه بحران نان، و بحران دارو و دوا دشواری دیگری است که سازمان جهانی غذا و زراعت جهانی و همین طور سازمان صحت جهانی نیز به صراحت بیان داشته که این بحران ها کمر سیستم های جهانی را خمیده و (چوک) ساخته، در همچو اوضاع و احوال ناشی از جنگها و تهدیدات، زمام داران بسا کشور ها دست به دکمه و یا هم به ماشه نشسته اند و واضع و بر حالا هم می گویند و هشدار و اخطار ها هم صادر می نمایند.

انتونیو گوتراش سرمنش عمومی سازمان ملل در روز اول جنرال اسامبله به بسا موضوعات که جهان را در یک موقعیت نامطمئن قرار داده اشاره های زیادی داشت و نگرانی اش را از قانون تازه به تصویب رسیده در کوریای شمالی را که به امضای کیم چونگ اون رهبر کوریای شمالی رسیده است که:

حق استفاده از حملات پیشگیرانه را برای محافظت از خود را در نظر گرفته عمیقاً متأثر کننده و قابل تشویش خواند. و افزود مذاکرات را با طرف های اصلی برای دستیابی به صلح پایدار خلع سلاح کامل و قابل قبول و رزمایش برای راستی و درستی و ترمیمات لنگش کارها، از سوی این سازمان به شدت و جدیت ادامه دارد. سازمان زراعت جهانی (فاو) هم بحران دیگر جهانی را جنگ و نبرد به خاطر نان (غذا) خواند. بلند رفتن قیمت ها به طور سرسام آور، و کمی و قلت مواد غذایی، و بلند رفتن نرخ نفت و روغنیات، تحریم های بسا کشورها به خاطر جنگها و کشیده گی ها، تغییرات و نوسات در سیستم های ارزی و ارزش، و داد ستد ها، انفلیشن و یا انفلاسیون بی در پی، و برابر ی دالر امریکایی، با یورو. واحد پولی. اروپا، و پوند استرلینگ واحد پولی انگلیس، و تقاضا ولادیمیر پوتین ریس جمهور روسیه که کسانیکه گاز روسیه را می خرند باید که به روبل واحد پولی روسیه. پول بپردازند.

نرخ لیره ترکی واحد پولی ترکیه، آفدر در تغییر و افت و آفت بوده که رجب طیب اردغون رئیس جمهور ترکیه چندین بار است که با وجود سفرها به خارج از کشورش، از جمله

مشتاق احمد کریم نوری شمال کالیفورنیا

## به ادامه پاسداست زبانها و حرمت فرهنگها

بگویم ابتدا نام خدایی که بی دانش نمی آید صدایی پنجم اکتوبر روز جهانی معلم و مربی و مدرس و آموزگار است که از سال ۱۹۹۴ میلادی در جهان تجلیل و تجلیل می گردد البته پیشنهاد همچو روزی توسط مؤسسه تعلیمی و تربیتی وابسته به سازمان ملل متحد (یونسکو) صورت گرفت. ولی بعضی از کشورها به غیر از این روز جهانی ۵ اکتوبر در روز های دیگر هم روز معلم را برگزار می کنند مثل افغانستان که در ۳۱ ماه ثور، که از سابق این روز را قدردانی می نمودند. و همچنان بعضی از کشور های دیگر همین طور، چون اکثر کشورها قبل از مسما شدن این روز در تقویم ملل متحد، قبلا هم مقام شامخ معلم را گرامی میداشتند، در جایبان روز معلم وابسته به یک روز نیست. مقام شایسته و بایسته معلم هر روز مورد تمکین قرار می گیرد. روح بزرگمرد جنت مکان پدرم استاد قومندان صاحب نورالدین خان نوری همیشه شاد و یاد شان همواره گرامی باد که به معلمان خانگی و مکتبی ما می گفتند که برای فرزندان ما. و در مجموع معارف کشور پیش از همه انسانیت محبت و شجاعت و خدمت را یاد بدهید. انسانیت و محبت و موضوعات که در بالا تذکار گردید، بالا ترین هنر، زیبا ترین صفت، و عالی ترین عبادت است. عارفان با عشق عارف می شود- بهترین مردم معلم می شود - عشق یا عارف مکمل می شود / هر که عاشق شد معلم می شود- و خداوند ج مادر عزیز ما را که یک عمر معلم بودند و تارتبه اول معارف کشور کار کردند با همه معلمین گرامی که در قید حیات اند به پناه و عصمت خود داشته باشد. و آنان شان که به رحمت حق پیوستند جنت فردوس را برای شان خداوند ج ارزانی فرماید. و یاد همه شان گرامی باد.

اکنون که مکاتب متوسطه و لیسه دختران توسط رژیم طالبان مسدود است و اختلاف نظرات هم میان شان روز تا روز آشکار شده می رود. در روز جهانی گردشگری و یا توریسم در ماه قبل مولوی شیر عباس استانگزی معین سیاسی امارت از بسته بودن مکاتب دخترانه ابراز نگرانی جدی نمود و خواهان درس و تعلیم دختران شد. در همان روز ملا خالد حنفی وزیر امر بالمعروف و نهی از منکر، علم و سبق را مباح و حرام پنداشت و قسمی توجیه داشت که نظر امیر و رهبر شان نیز با او یکسان است. و اجرا گردد؟

در این روزها گزارشات و اطلاعات از مکاتب، حاوی این نکته. مهم و اساسی است، که حلقه و دایره کار معلمین را باید تنگتر ساخت اکنون اداره طالبان در این روزها و در ایستانه روز جهانی معلم، از معلمین سؤالات را مطرح می نمایند و گویا که امتحان می گیرند و به این ترتیب می خواهند استادان که به مذاق شان برابر نیست باید حذف شوند. کسانی امتحان می گیرند که ممکن خود شان یک روز هم امتحان نداده باشند؟ و نوعیت سؤالات شان هم مطابق اجندای طالبان، این در حالی است که پوهنتون ننگرهار برای ملا باقی حقانی وزیر تحصیلات عالی طالبان دو کنورا می دهد!!؟ و با این کارها و اقدامات. هوا و فضا را بر سر متعلم و معلم ضیق ساخته راهی اند.

روز معلم به همه معلمین گرانمایه و پرمایه مبارکباد! این نوشته اهداء است به همه استادان گرانمایه و پرمایه ام در مکاتب و پوهنتون و دانشگاه و یونیورستی و همه جا های که من درس خواندیم و از اوشان آموختیم، واقعا همه شان مولای من اند.

در شماره ماه قبل جریده امید برای ماه سپتمبر راجع به مجمع عمومی ملل متحد که در هفته سوم ماه سپتمبر همه ساله تدویر می یابد نوشته یی داشتم چون امید معمولاً در بیستم هر ماه میلادی از چاپ می برآید. لذا من به موضوعات در این مقال و مجال می پردازم که بعد از بیستم سپتامبر در سازمان ملل و جنرال اسامبله هفتاد و هفتم انجام شد.

بعد از هفته سوم سپتامبر و بدنبال روز جهانی دموکراسی که همه ساله در ۱۵ سپتمبر می باشد. روز جهانی صلح در ۲۱ سپتمبر از طرف سازمان ملل متحد تدویر می یابد که همان روز شروع مجمع عمومی ملل متحد و انعقاد مجلس بزرگ بین المللی با اشتراک رهبران و لیدران از اقصای نقاط گیتی را احتوا می کند زمام داران بسا کشور های جهان در شروع جنرال اسامبله ملل متحد. همه ساله اشتراک می نمایند کشور های که دارای قدرت اتمی اند و کشور های که به نحوی از آنجا در آستانه روز جهانی صلح، در جنگ و منازعه قرار دارند و گویا که برای تحقق صلح برنامه های هم دارند آنچه که به کرات دیده شده آنچه را که ندارند، همین بی برنامه گی است ولی بعضی شان با ژست های جنگی و فیکور های بدماشی خود را صلح طلبان و تفاهم گران می پندارند. و جایی زنده و نشان و لوگوی صلحی را هم به سینه می زنند ولی از محتوا داخل این بوی نمی برند.

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

# Maids Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 31, Issue No. 1099, OCTOBER 21, 2022, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan  
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان  
لیسه عالی حبیبیه  
بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۲۲ ارسال دارند. تلفون ۷۰۳ ۴۹۱ ۶۳۲۱  
mkqawi471@gmail.com  
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge VA 22192-7075 U.S.A.

## غصب نقود افغانستان توسط امریکا

بنابر تنگدستی سودا می کنند.  
در اقتصادیک نظریه کلاسیک عمومیت دارد که به تئوری مقداری پول مسمی میباید. این تئوری یک معادله است که طرف راست آن تولید ناخالص ملی به نرخ بازار جادار و طرف چپ آن حاصل ضرب مقدار پول در جریان و سیالیت پول قرار گرفته است. باسای این نظریه در حالت استخدام کامل سطح قیم متناسب به مقدار پول در جریان حرکت مینماید و در سایر حالات ازدیاد سیالیت پول تورم پولی را بارمی آورد. در افغانستان سطح بیکاری به ۲۳٪ و انفلاسیون به ۱۷٪ تخمین شده است. چون حجم تولید ملی روبه تنزیل است، پس ازدیاد سیالیت پول است که باعث بلندرفتن قیمتها به سرعت سرسام آور در افغانستان شده است. بلندرفتن سیالیت پول طبعاً سرعت فرسایش پولهای کاغذی را بلند کرده، ضرورت به تعویض پول فرسوده را به پول جدیداً اشاعه شده خلق مینماید. در حال حاضر اشاعه پول جدید برای افغانستان مشکل است.

علاوتاً هنگامیکه تولید ملی افزایش میباید تقاضا برای پول زیاد میشود و همچنان در آنیکه سطح قیم بلند میروند تقاضا برای پول ازدیاد میباید. پروفیسور نامدار دانشگاه شیکاگو یعنی داکتر ملتن فریدمن معتقد بود که بحران اقتصادی معلول تنظیم نادرست مقدار پول است. قرار گرفته وی، مقدار پول در اقتصاد کشور باید متناسب به فیصدی رشد تولید ملی عیار گردد. پول در افغانستان از کدام پشتوانه از قبیل طلا و نقره برخوردار نمی باشد، آنچه را که حکومت پول بنامد همان پول شمرده میشود و از وظایف بانک مرکزیست که ارزش پول را به تناسب اسعار خارجی و طلا تعیین نماید. در امریکا رئیس جمهور نیکسون دالر امریکا را از طلا آزاد ساخت و از آن به بعد خزانه امریکا اندوخته های دالری کشورها در امریکا را به طلا معاوضه نمی نماید. البته دالر امریکا در داخل و خارج مملکت چلش دارد و اما پول افغانی صرف در داخل افغانستان می چلد.

اخیراً پاکستان اجازه داده که به ملاحظه بحران اسعاری در افغانستان، در پاکستان میشود افغانی در معاملات تجارتي قبول گردد، سایر ممالک با پول افغانی معامله نمی کنند. اما افغانستان برای حل و فصل مشکلات بیلاس تادیات و تمویل واردات نیاز به پول خارجی دارد. افغانستان یک کشور عمدتاً وارداتی و متکی به کمک مالی منابع خارج میباشد. قبل از آمدن طالبان ۴۵٪ تولید ملی و ۷۵٪ بودجه دولتی از منابع خارج تمویل میشد. واردات کشور شامل تولید ملی نمی گردد و اما در انکشاف تولید ملی نقش دارد. مثلاً واردات برق جزء تولید ملی نیست ولی از طریق تدویر صنایع ملی که امتعه و خدمات تولید می کنند باعث توسعه ملی میشود. تولید نخ و سند و مواد کیمیایی شامل تولید ملی نیست، و اما از آنجاییکه فابریکه های نساجی و وطن رابکار می اندازد، کمک زیادی به تولید ملی میسازد. سیخ گول و آهن چادر که وارد می گردد شامل تولید ملی نمیشود و اما اینیکه فابریکه های فلز سازی ما را فعال میسازند در توسعه ملی اثر گذار اند.

تورید تمام امتعه وارداتی مستلزم ذخایر اسعاری بوده که متأسفانه سیاست ظالمانه امریکا، افغانستان را عاجلاً به فقدان ذخایر اسعاریش مواجه ساخته و تئوری مقداری پول را در افغانستان بيمورد ساخته است.

پول افغانی در داخل افغانستان چاپ نمیشود بلکه باید در یک کشور پیشرفته و قابل اعتماد تهیه گردد. در دوره های داؤد خان و استاد ربانی پول برای افغانستان در روسیه چاپ میشد، بعداً در زمان آقای کرزی این وظیفه به یک کمپنی انگلیسی در بیسنگستوک سپرده شد و طالبان با یک کمپنی پولندی و یک کمپنی فرانسوی قرارداد نمودند، ولی عدم برسمیت شناختن امارت اسلامی از طرف ممالک جهان این کار را غیر عملی ساخته و این ضربه دیگریست که بنیه اقتصاد وطن ما را مصدوم نموده است.

حق برداشت مربوط افغانستان از صندوق وجهی بین المللی به ۴۰ میلیون دالر بالغ میگردد که برای تمویل پانزده ماه واردات افغانستان کفایت میکند، ولی این پول نیز فعلاً قید است. اداره صندوق ادعا دارد که تصامیمش به مشوره های اعضای آن صندوق میباشد، چون هیچ کشوری رژیم طالبان را برسمیت نمی شناسد لهذا هیچ کشوری پرداخت ۴۰ میلیون حق برداشت افغانستان را صلح نمی

بیند. امریکا ۱۷٪ مصارف صندوق رامیپردازد و صندوق رازیر اثر خود در آورده است. پر بزدنت بایدن به جنت یلن وزیر خزانة اش هدایت داده تا صندوق وجهی بین المللی را قانع کند که از اجرای حق برداشت مربوط به افغانستان خودداری نماید و همین کار جامة عمل پوشید.

حفاى صندوق وجهی در مقابل افغانستان تنهابه بند انداختن حق برداشت خلاصه نمیگردد، از سایر کمکهای که صندوق برای اعضایش ارزانی مینماید نیز افغانستان محروم شده است. مثلاً تامین استقرار قیمت اسعار و جلوگیری از تعدد نرخ اسعار، رفع عدم استقرار در بیلاس تادیات، تعیین نرخ پول داخلی به مقابل طلا و دالر و غیره، کمکهای تخنیکى و مشورتی در ساحت پولی و مالی به منظور تامین استقرار اقتصادی، اعطای قرضه برای رفع کسری بیلاس تادیات، تامین و تحفظ سیالیت پول داخلی، اصلاح تعرفه های گمرکی و غیره میباشد که افغانستان فعلاً محروم شده است.

عدم برسمیت شناختن امارت طالبان از طرف کافه ملل جهان یک امر تصادفی نمیباشد، بلکه بگمان اغلب یک توطئه ایست که بر علیه افغانستان چیده شده است. در امریکا برای هر سیزده نفر مستهلک یک بزنس تولیدی ایجاد شده است، هدف اصلی همه بزنس ها بدون استثنا کسب مفاد اعظمی میباشد، برای اینکه مفاد ازدیاد یابد لازم بلکه الزم است که تقرر و انتصاب کارمند و کارفرما متکی به معیار لیاقت و شایستگی باشد نه به ارتباط نژاد و قومیت. دولتهای امریکا و اروپا و جاپان و استرالیا و هانکانگ و سایر کشورهای پیشرفته اراکین دولتی شان را به اساس استعداد و شایستگی تعیین و انتخاب مینمایند، ولی چه دلیل منطقی غیر از یک توطئه باعث شده که در مورد افغانستان ازین اصل شناخته شده و مروجۀ انتخاب سران دولتی اغماض بعمل آمده و تعیینات راتابع منطقه و نژاد قومی بسازند؟! طالبان هم مع الاسف، از اصل شایستگی و لیاقت و کار فهمی در ساحة استخدام آمرین و کارفرمایان کنار رفته اند و در جلب استعداد هابرای پیشبرد امور مملکت کاملاً کام بوده اند.

برای امریکا و سایر کشورهای بهتر و منطقی تر این خواهد بود تا بر طالبان فشار وارد نمایند که در تمام شئون دولتی اشخاص ذکور و اناث با تجربه و با استعداد راز اطراف وطن، صرف نظر از اینکه از کدام منطقه افغانستان آمده و به کدام زبان ملی تکلم میکنند، جلب و استخدام نمایند و اشخاصی را بپذیرند که به استحکام دولت مرکزی معتقد و از تفرقه و بی نظمی در داخل دولت منکر باشند.

## حکیم ناصر خسرو ....

یا روزگار بر سر ایشان سپه کشید  
مشغول کردشان زمن آفات و اختلال  
قوم مرا بگوی که دهر از پس شما  
با من نکرد جز بدو نمود جز ملال  
و یا نالش او از دوری از خراسان و دردی که او ازین فراق می کشد:

که پرسد زین غریب خوار محزون  
خراسان را که بی من حال تو چون  
درختانت همی پوشند بیرم (۱)

همی بندند دستار طبرخون (۲)  
گر ایدونی و ایدون (۳) است حالت  
شبت خوش باد و روزت باد میمون

مرا باری دگرگون است احوال  
اگر تونستی بی من دگرگون  
بلی، تشبیب شاعران زهد پیشه و اندرز سرا بدین گونه است، و اگر مانند شاعران مدیحه سرا در وصف طبیعت در آغاز قصاید خود سروده اند، زود برگشته اند به پند و موعظه و بیزاری از زیبایی هایی که مردم بدان دل می بندند و رسالت خود را در قبال آنچه شایسته آدمی زاد رسالتمند است، فراموش می کنند: چندگویی که جوایم بهار آید گل بیاراید و بادام به بار آید... درین قصیده که زیباترین وصف بهار را عرضه داده است، مخاطب را ملامت می کند که بیدردانه چنین به استقبال زیبایی های بهار شتافته است: این چنین بیهده بی بیش مگو با من که مرا از سخن بیهده عار آید شصت سال است که نوروز مرا مهمان است خود همان است اگر شش صدبار آید

سوی من خواب و خیال است جمال او  
گر به چشم تو همی نقش و نگار آید

۱: بیرم: نوعی پارچه زیبا و نازک، ۲: طبرخون: عناب و درخت عناب

۳- ایدون: این طور، این گونه. گر ایدونی و ایدون است حالت: یعنی اگر چنین که گفتم هستی و حالت چنین است.

## آیا داؤد خان واقعاً پاکست بود؟

خواننده فهمیم به سادگی میتواند دریابد که برادران سردار که بیش از چهل سال مقدرات یک ملت مظلوم و تهیدست را در کف بی کفایت و خیانت آلود خویش انحصار کرده بودند، تا کدام حد از دارایی آن ملت را جفا کارانه و غدرانه دزدیدند و به خارج کشور بردند، بخصوص سردار داؤد که از تمام اعمال خیانتانه و دزدانه اعضای خانواده اش کاملاً آگاه بوده و عمداً بر سر تمام حقایق خاک ریخت! پس باید متوجه شویم که ردای وطن دوستی و پاکدستی را که از سوی نوکرانش بر قامتش پوشانده شده بود، چیزی جز فریبکاری و خاک به چشم ملت زدن نبوده و چور و چپاول سرداران بیبچ وجه از طالبان نکنایی پوش کرزی و احمدزی کم نه، بلکه با مقایسه مبالغ بودجه های فقیرانه زمان قدرت و حکمرانی آنان با بودجه ها و عایدات دوزمردور و جاسوس اخیر الدکر، بیشتر شمرده می شود! /

## طالبان و گورها

بدون آن که هیچ کسی آنان را در راه کمین کند یا در میان صف شان دست به انتحار بزند. از هر سویی که ببینیم، تقصیر اصلی گورها جمعی این بیست و هشت سال به دوش طالبان است و با هیچ تبلیغی پوشیده نخواهد شد. با درد و تأسف که کمپاین طالبان در خلق گورها جمعی هنوز ادامه دارد. چندی پیش، طالبان گروهی از سربازان جبهه مقاومت را پس از تسلیمی، دست بسته در صفی نشانند و به رگبار بستند. قاتلان، از خود فیلم نیز گرفتند. اکنون که طالبان در جایگاه حاکم نشستند، در کنار نشر خبر کشف گورها، به مردم بگویند که اسیران جنگی را چرا این روزها تیرباران می کنند؟ نیروهای سابق امنیتی را چرا از خانه های شان کشیده، بی محاکمه، به گلوله می بندند؟ سرهای بریده را چه کسانی در نهر های جلال آباد و کرمی اندازند؟ (روزنامه هشت صبح کابل)

## آیا آموزش دختران مباح است؟ تقدم نگاه حقوقی بر نگاه فقهی

در آخرین نقل قولها از وزیر امر به معروف طالبان آمده است که آموزش یک امر مباح است و نباید وقت را با مباحات ضایع کرد. این سخنان ظاهراً در واکنش به اظهار نظر عباس استانکزی گفته شده که آموزش را فرض دانسته بود. از قدیم می گفتند که اختلاف علما رحمت است؛ یعنی وجود دیدگاه های متعدد در میان اهل علم سبب فراخی عرصه و فزونی انتخابها برای مردم می شود. در افغانستان حداقل می دانیم که چنین نیست و این اختلاف نظرها مصیبت است؛ هم به دلیل پیامدهای زیان بار آنها بر زنده گی مردم و هم به دلیل افتادن مقدرات عرصه عمومی جامعه به چنگ افرادی که فاقد اهلیت علمی هستند؛ زیرا نه ملا عباس استانکزی دارای شایسته گی اظهار نظر در چنین اموری است و نه ملا خالد حنفی.

اگر سخن بر سر حکم دینی این موضوع باشد، صلاحیت اظهار نظر در چنین مواردی را نهادهایی دارند که صلاحیت علمی شان به عنوان مرجعیت دینی جامعه به رسمیت شناخته شده است؛ مانند الازهر مصر، الزیتونه تونس، حوزه علمیه نجف و مانند اینها، که تاریخچه ای معروف دارند. در جایی که باید نهادها تصمیم بگیرند، اظهار نظر این ملا و آن ملا که از بخت بد یک جامعه وزیر و معین شده اند، هیچ اعتبار علمی ندارد، چه موضوعی را مباح بخوانند و چه فرض. موضع الازهر و بقیه نهادهای معتبر علوم دینی در جهان اسلام در این زمینه واضح است. آنان دلایل شرعی کارشان را نیز از دیرباز بیان کرده اند و جایی برای ابهام نمانده است تا دو «مکتشف جدید در افغانستان» اقدام به کشف آن کنند و در پایان یکی مباح بودن آنرا کشف کنند و دیگری فرضیت آنرا. (ص پنجم)